

الحاق به سازمان های بین المللی، امروزه به یکی از مسائل مهم و اساسی جوامع تبدیل شده است، چرا که در عصر حاضر، جهان، مقوله جهانی شدن را به نام و شکل دهکده جهانی ارتباطات در واقع به خود قبولانده است بنابراین، تا زمانی که کشور متقاضی الحاق نسبت به بازنگری در قوانین و مقررات داخلی خود اقدام نکرده باشد، پذیرش و قبول آن در سازمان های موصوف منتفی است. سازمان جهانی تجارت به عنوان یکی از نمونه های بارز سازمانهای بین المللی منسجم از این قاعده مستثنی نبوده و هر دولت - کشوری که تمایل به عضویت در آن باشد، می بایست در بدو تقاضای الحاق تمامی قوانین و مقررات داخلی خود را که با مقررات سازمان جهانی تجارت در تعارض است را قبل یا حین مذاکرات الحاق مورد اصلاح و بازنگری قرار دهد. اهم آنها به شرح ذیل است:

- ۱) موانع حقوقی موجود در قانون اساسی؛
- ۲) موانع حقوقی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی؛
- ۳) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات بیمه؛
- ۴) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات ارزی؛
- ۵) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات مالیاتی؛
- ۶) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات گمرکی؛
- ۷) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات صادرات و واردات؛
- ۸) موانع سیاسی
- ۹) به طور خاص ابهامات قوانین ذیربط سرمایه گذاری خارجی

مبحث اول - موانع حقوقی موجود در قانون اساسی

اصل ۷۷ قانون اساسی ایران الزام می نماید که کلیه مقاوله نامه ها، قراردادها و موافقتنامه های بین المللی باید به تصویب مجلس برسد که این موضوع شامل موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت نیز خواهد شد. از طرف دیگر طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد - موارد مهم را قانون تعیین می کند. در مورد موافقتنامه های جهانی تجارت مسئله به این صورت مطرح است که در مرحله اول اختلاف میان اعضاء از طریق مشورت با یکدیگر حل می شود و در صورتی که حل نشد به تقاضای شاکی به مرجع بین المللی حل اختلاف که به منظور رسیدگی به دعاوی میان کشورهای عضو تشکیل شده است ارجاع خواهد شد و مرجع حل اختلاف حق دارد هیئت های رسیدگی تشکیل دهد و برای اجرای احکام و توصیه ها نظارت کند. بدین ترتیب در مورد حل اینگونه اختلافات نیازی به دخالت مجالس قانونگذاری در هیچ یک از کشورهای عضو وجود ندارد. یکی از مغایرت های اولیه مفاد موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت با نظام اقتصادی ایران در اصل ۴۴ نهفته است.

بر اساس این اصل بازرگانی خارجی دولتی است. هدف گات و سازمان جهانی تجارت کم رنگ نمودن نقش دولت در تجارت کالاهای اساسی و هدایت اقتصاد کشورها به سمت اقتصاد غیردولتی است. اصل ۴۴ قانون اساسی صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه آهن، کشتیرانی، هواپیمایی، معادن بزرگ، سدها و ارتباطات را در اختیار دولت قرار می دهد. گرچه در عمل کاملاً این اصل رعایت نمی شود و بخشهای خصوصی و شبه خصوصی درگیر فعالیتهای بازرگانی خارجی می باشند. در حالی که طبق اصل ۱۶ اصول و قوانین گات در مورد دسترسی به بازار، اصل آزاد سازی تجاری از جمله اصول حاکم بر گات است که در مورد پیوستن کشورها به سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار می گیرد. یکی از موارد مهم در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اصل ۸۱ قانون اساسی است. به موجب این اصل دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بر اساس موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت اعضا می توانند نسبت به ارائه خدمات مرتبط با موارد فوق در سایر کشورهای عضو اقدام نمایند و این موضوع طبعاً با مفاد اصل فوق تعارض دارد. اگرچه بر اساس تفسیر شورای نگهبان قانون اساسی **شرکتهای خارجی که با دستگاههای دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده اند** می توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیتهای خود در حدود قراردادهای منعقد شده طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند که این موضوع با تفاسیری که از این اصل شده در مرحله عمل متفاوت به نظر می رسد^۱. همچنین اگر معتقد برفع قانونی محدودیت میزان سهام و مشارکت سرمایه گذار خارجی توسط تفاسیر شورای نگهبان از اصل ۸۱ قانون اساسی باشیم همچنان این ابهام باقیست که آیا منظور شورای نگهبان تنها تخصیص شرکتهای خارجی است که با دستگاههای دولتی قرارداد دارند یا خیر؟ از سوی دیگر، در مقررات قانون بیمه کشور واگذاری مؤسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا ۲۰٪ با موافقت بیمه مرکزی ایران را مجاز دانسته و بیش از آن را موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیأت وزیران نموده است. انتقال سهام مؤسسات بیمه ایرانی به دولتهای خارجی یا انتقال بیش از ۴۹ درصد سهام آنها به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی مطلقاً ممنوع است و انتقال سهام بین سهامداران اتباع خارجی باید با موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران صورت گیرد لذا حتی چنانچه تبصره ماده ۳۵ مبنی بر مشارکت ۴۹ درصد شرکتهای بیمه خارجی در ایران پذیرفته شود این ماده مغایر با بند ۱ و ۲ از ماده ۱۶ توافق نامه عمومی تعرفه و تجارت می باشد (دسترسی به بازار) زیرا براساس این بند برقراری محدودیتهایی در مورد مشارکت سرمایه خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام خارجی یا برحسب کل ارزش یکایک یا مجموع سرمایه گذاریهای خارجی ممنوع است. با این وضع سوال این است که با این دوگانگی اداره ثبت شرکتها برچه مستندی عمل میکنند؟ آیا اعمال محدودیتهای قانونی در اینباره صرفاً مربوط به شرکتهای موضوع اصل ۴۴ میشود؟ که اگر اینطور است اصلاح قوانین از جمله ماده ۳۵ قانون بیمه کشوری باید مدنظر قرار گیرد تا دوگانگی تفسیرات شورای محترم نگهبان توجیه پذیر باشد. در این مورد در قوانین سازمان

^۱ - رجوع شود به پاسخ شورای نگهبان درباره امکان ثبت شرکتهای خارجی مصوب ۱۳۶۰/۱/۸ روزنامه رسمی شماره ۱۰۶۰۵ مورخ ۱۳۶۰/۵/۲۹ و در باب تفاسیر مختلف از اصل ۸۱ قانون اساسی رجوع شود به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج ۳ جلسه ۳۳ ص ۲۸.

جهانی تجارت آمده است که هر کشور عضو در سازمان تجارت جهانی می‌تواند در دیگر کشورهای عضو سازمان امتیاز تاسیس شرکت را داشته باشد و این هم مغایر با قانون اساسی ایران است و در صورت الحاق باید مد نظر قرار گیرد.

به طور کلی قانون سرمایه گذاری خارجی دارای ساختار حقوقی نابهنجاری است که توسعه اقتصادی کشور را در چنبره خود محبوس کرده است. برای مثال، در زمینه نفت ماده ۸۱ قانون اساسی استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید که شیوه متداول قراردادهای بین المللی برای سرمایه گذاری در صنعت نفت است را عملاً غیرممکن ساخته است. این امر موجب شده تا سرمایه گذاری در بخش نفت به مراتب دشوارتر و پرهزینه تر شود. در سالهای اخیر شرکت ملی نفت ایران کوشیده است تا با استفاده از قراردادهای بازخرید (Buy Back) این مانع حقوقی را دور بزند.

اما ساختار این نوع قراردادهای، به ویژه تناسب ریسک - بازده آن - به دلایل مختلف برای سرمایه گذاری در بخش نفت مناسب نیست. برای مثال، در چارچوب این نوع قراردادهای سرمایه گذار خارجی هیچ نوع کنترلی بر روی مراحل بعد از توسعه نخواهد داشت. این امر از دید سرمایه گذار خارجی موجب افزایش ریسک پروژه و کاهش بازده پروژه میشود. شرکت نفت کوشیده است تا با تضمین کارآیی پروسه تولید بر این مشکل فائق آید. اما ساختار حقوقی همچنان به صورت مانعی در برابر جلب سرمایه گذاری خارجی عمل میکند.

مبحث دوم - موانع حقوقی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی

پیشرفت‌های سریع تکنولوژیک در سال‌های اخیر - بویژه در حیطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی، علاوه بر ایجاد بازارهای جدید، فرآیندهای تولید و نوآوری را کاملاً متحول ساخته و ماهیت رقابت‌های بین‌المللی را دگرگون ساخته است. از سوی دیگر رشد تکنولوژیک برخی از کشورهای در حال توسعه، ضمن بالا بردن قدرت رقابتی و افزایش صادرات محصولات صنعتی آنها به بازارهای جهانی، موجب گردیده که مزیت‌های نسبی سنتی ممالک پیشرفته مورد تهدید قرار گیرد. این تحولات و نیز جهانی شدن ماهیت رقابت‌های تجاری، سبب گردیده که کشورهای توسعه یافته برای حفظ قدرت رقابت و سهم خود در بازارهای بین‌المللی به استراتژی‌های دیگری روی آورند که اساس آنها بر حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا حمایت از حیطه‌هایی استوار است که بر دانش و اطلاعات متکی می‌باشند.

موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری به عنوان یکی از مهمترین اسناد در دور اروگوئه پس از مذاکرات فراوان در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ مورد توافق نهایی قرار گرفت. این موافقتنامه که هم چنین یکی از سه رکن اصلی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی (موافقتنامه‌های مربوط به تجارت کالا، موافقتنامه مربوط به تجارت خدمات، موافقتنامه مربوط به حقوق مالکیت فکری) است، از اسناد غیر قابل تفکیک دور اروگوئه محسوب گردیده^۲ و از جامعترین و کاملترین موافقتنامه‌ها در خصوص حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید

^۲ - دور اروگوئه، هشتمین و آخرین دور از ادوار مذاکراتی موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات GATT) است. این دور که در خلال سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ برگزار گردید طولانی‌ترین دور مذاکرات تجاری در جهان محسوب می‌شود. نتیجه اصلی این دور از مذاکرات تجاری پایان عمر موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) به‌عنوان جانشین آن بود.

که تاکنون در سطح بین‌المللی وجود داشته است. از مهمترین ویژگیهای این موافقتنامه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- موافقتنامه تریپس^۳ از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولید کنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه چیپها و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد.

۲- موافقتنامه تریپس ضمن تعیین استانداردهای حداقل به برخی از کنوانسیونهای سازمان جهانی مالکیت فکری از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از اجرا کنندگان و تولید کنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم) و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آنها را لازم الاجرا دانسته است.

۳- موافقتنامه تریپس با تأکید بر مسأله اجرا به مواردی از قبیل رویه‌های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمین و رویه‌های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد.

۴- موافقتنامه تریپس در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد.

بطور کلی در خصوص مقایسه قوانین مالکیت صنعتی در ایران و مفاد موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی باید متذکر شد که قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آئین نامه مصوب ۱۳۳۷ با مفاد کنوانسیون پاریس (۱۹۵۸) انطباق دارد. ولی با توجه به اینکه ایران عضو نظام بین‌المللی کپی رایست، پذیرش تعهدات مندرج در موافقتنامه تریپس الزاماً به معنای پذیرش کنوانسیون برن (۱۹۷۱) و تعهدات مربوط به کپی رایست است که این موضوع می‌تواند یکی از مسائل مهم در روند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باشد.

مبحث سوم _ موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات بیمه

تا تأسیس سازمان تجارت جهانی، یعنی در خلال سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۴ که گات نهاد اصلی ناظر بر تجارت جهانی بود، هشت دور مذاکره تجاری چندجانبه در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) انجام گرفت. پنج دور اول، صرفاً به تعرفه‌ها پرداختند. از دور کندی (ششم) به بعد، توجهات به‌سوی محدودیت‌های تجاری غیر تعرفه‌ای و مسأله تجارت محصولات کشاورزی هم معطوف شد. هرچند در دور کندی، فقط به موانع غیر تعرفه‌ای پرداخته شد که قبلاً در گات مطرح شده بود؛ ولی در دور توکیو (هفتم) به سیاست‌هایی پرداخته شد که مشمول مقررات و ترتیبات گات نبود (نمونه بارز آن استانداردهای محصولات و خریدهای دولتی بود). این روند در دور اروگوئه ادامه یافت و در این دور مذاکراتی، تجارت خدمات (GATS)، مالکیت فکری (TRIPS) و قواعد مبدأ هم مطرح شد، یعنی مسائلی که در گات چندان به آن‌ها پرداخته نشده بود. دور مذاکراتی مزبور، به‌مقتضای محل برگزاری کنفرانس دور اروگوئه نامیده شد.

۳ - موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری به انگلیسی Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights به اختصار تریپس موافقتنامه‌ای بین‌المللی است که بوسیله سازمان تجارت جهانی (WTO) مدیریت می‌شود و حداقل استانداردهای جهانی را برای قوانین مربوط به انواع مالکیت فکری در کشورهای عضو WTO تعیین می‌کند. این موافقتنامه در پایان دور اروگوئه از موافقتنامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت ۱۹۹۴ به انگلیسی General Agreement on Tariffs and Trade مذاکره شد.

از ابزارهای اولیه سرمایه گذاری در راه اندازی طرح های اقتصادی، داشتن سیستم کامل بیمه و تأمین اجتماعی مناسب می باشد، به گونه ای که با کمترین هزینه، بهترین و بیشترین خدمات را در اختیار سرمایه گذار قرار دهند. در حال حاضر توصیفی که از سیستم بیمه و تأمین اجتماعی ایران در خارج می شود این است که هزینه های زیادی به عهده سرمایه گذار گذاشته است و در ازای آن خدمات ناچیزی ارائه می دهد و اصولاً متعهد به ارائه خدمات لازم نمی باشد. این امر در حال حاضر برای کارفرمای ایرانی حدود ۳۰ درصد سود سرمایه را تلف می کند که حاصل آن افزایش هزینه تولید بوده و هیچگونه توجیه اقتصادی ندارد. سرمایه گذار خارجی قطعاً نمی تواند این هزینه سنگین و آن خدمات ناچیز را تحمل نماید. - این قانون که در پرتو روح حاکم بر قانون اساسی مبنی بر ملی بودن منابع عمومی و دولتی بودن طرح های بزرگ به تصویب رسید الزاماً تنگناهایی در زمینه سرمایه گذاری خارجی باقی گذاشت، به طوری که هنوز با یک قانون سرمایه گذاری خارجی آزاد و تشویق کننده فاصله دارد. اگر چه در عمل راه های ممکن برای عبور از این تنگناها وجود دارد ولی به هر حال برای سرمایه گذار خارجی تفاوت ماهوی بین ۲۵ درصد و صددرصد سرمایه گذاری خارجی در یک کشور وجود دارد. در آینده شاید به مقتضای شرایط ایران و شرایط بین المللی راه کارهایی در قانون اساسی پیش بینی شود.

انتقال سهام مؤسسات بیمه ایرانی به دولتهای خارجی یا انتقال بیش از ۴۹ درصد سهام آنها به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی مطلقاً ممنوع است و انتقال سهام بین سهامداران اتباع خارجی باید با موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران صورت گیرد لذا حتی چنانچه تبصره ماده ۳۵ مبنی بر مشارکت ۴۹ درصد شرکتهای بیمه خارجی در ایران پذیرفته شود این ماده مغایر با بند ۱ و ۲ از ماده ۱۶ توافق نامه عمومی تعرفه و تجارت می باشد (دسترسی به بازار) زیرا براساس این بند برقراری محدودیتهایی در مورد مشارکت سرمایه خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام خارجی یا برحسب کل ارزش یکایک یا مجموع سرمایه گذاریهای خارجی ممنوع است. همچنین براساس ماده ۴۷، انتقال درآمد مؤسسات بیمه خارجی پس از تکمیل ودیعه مذکور در ماده ۴۶ به خارج بلامانع خواهد بود. مشروط بر آنکه رقم انتقالی در هر سال از ده درصد مبلغی که به عنوان ودیعه در نزد بیمه مرکزی است تجاوز نکند. بند ه ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور تأسیس بانکهای خارجی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی خارجی را با تصویب مجلس امکان پذیر دانسته است. بند ج همین ماده هر بانکی را که بیش از ۴۰٪ سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارج یا اشخاص حقوقی خارجی باشد بانک خارجی محسوب می دارد که باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت رسد. همچنین ماده ۳۵ قانون بیمه کشور واگذاری مؤسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا ۲۰٪ با موافقت بیمه مرکزی ایران را مجاز دانسته و بیش از آن را موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیأت وزیران نموده است. ماده ۴۵ قانون بیمه نیز اعلام می دارد که شروع فعالیت بیمه خارجی در ایران موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیأت وزیران است. ماده ۴۷ بیمه نیز انتقال درآمد مؤسسات بیمه خارجی را پس از تکمیل ودیعه موضوع ماده ۴۶ بیمه، بلامانع می داند البته مشروط بر آنکه در هر سال از ۱۰٪ مبلغی که به عنوان ودیعه در نزد بیمه مرکزی است تجاوز ننماید.

مبحث چهارم_ موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات ارزی

از نظر مقررات گات، سهمیه بندی ارزی و تخصیص ارز جهت ورود کالا برحسب اولویت‌های خاص و نیز نرخهای ارز ترجیحی نیز نوعی محدودیت به شمار می‌رود. حمایت از صنایع و تولیدات داخلی به کمک ابزارهای غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه بندی ارزی و گران کردن واردات در مقابل محصولات مشابه داخلی با تخصیص ارز به بخشهای اولویت دار و صدور محصولات داخلی به صورت دامپینگ در قالب سیاستهای تشویق صادرات و یا حمایت از شرکتهای داخلی در تجارت خارجی با فروختن ارز ارزان قیمت به آنها از مواردی است که در ایران کم و بیش وجود داشته و برخی از آنها نیز در حال حاضر متداول هستند. یکی دیگر از جنبه‌های ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی در چارچوب مقررات گات، ممنوعیت اعطاء سوبسید صادراتی است که با مقررات و سیاستهای تشویق صادرات در کشور ما مغایر است.

مبحث پنجم_ موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات مالیاتی

ماده ۳ موافقتنامه گات در ارتباط با رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی، کشورها را الزام به اتخاذ قوانین و رویه‌های یکسان و مشابه و مطلوب در مورد محصولات وارداتی و تولیدات داخلی می‌نماید. در این ماده بصراحت اعلام شده است که محصولات و تولیدات هر کشور طرف قرارداد گات که وارد سرزمین متعاقد دیگر می‌شود بطور مستقیم و غیر مستقیم مشمول مالیات داخلی و دیگر انواع مالیات و هزینه‌هایی است که در مورد محصولات مشابه داخلی برقرار می‌گردد و مواردی مازاد بر آن نباید در نظر گرفته شود. برخی مواد قانون مالیات‌های مستقیم نظیر مواد ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۲ به اشکال گوناگون اقدام به حمایت از تولید کنندگان داخلی در قالب معافیت‌های مالیاتی می‌نماید. البته باید گفت که اصولاً گات حمایت از تولیدات و صنایع داخلی را ممنوع نمی‌کند بلکه طبق مقررات خاصی نظیر ماده ۲ اساسنامه مقرر می‌دارد که چنین حمایت‌هایی باید اساساً از طریق تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق اقدامات تجاری صورت گیرد. اهداف عمده این اصل، ایجاد شفافیت و وضوح در اجرای سیاست‌های حمایتی و به حداقل رساندن اختلالاتی است که حمایت در تجارت ایجاد می‌کند.

مبحث ششم - موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات گمرکی

در ماده ۵ گات هیچگونه تمایزی بر مبنای پرچم کشتی، مبداء ورود و خروج یا مقصد بر مبنای شرایط مربوط به مالکیت کالای کشتی یا دیگر وسایل حمل و نقل نشده است. در حالی که این موضوع در قوانین ایران در رابطه با برخی از کشورها ممنوع شده است. ضمناً در قوانین گمرکی کشور به صراحت حمایت‌های تعرفه‌ای و محدودیت‌های خاصی در ارتباط با نوع کالاهای وارده و وضع عوارض خاص (سود بازرگانی) در خصوص برخی اقلام وارداتی بر حسب ضرورت و تشخیص مراجع ذی صلاح وجود دارد که با اصول ۱ و ۲ گات مبنی بر اتحاد رویه در خصوص وضع محدودیت از طریق نرخهای تعرفه در تعارض می‌باشد.

مبحث هفتم - موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات صادرات و واردات

تعدد و پراکندگی نرخهای عوارض گمرکی علاوه بر اینکه موانع وارداتی بشمار می‌روند به انحاء موجب اختلال در امر تجارت می‌شوند لذا اصلاحات بعمل آمده در خصوص ادغام تمامی این عوارض و هزینه‌ها در قالب سود بازرگانی قدم مهمی در جهت سازگاری با مقررات گات مبنی بر وضوح و شفافیت مالیاتها و موانع وارداتی بوده است. نرخ تعرفه در خصوص تک تک کالاها باید مورد مذاکره قرار گیرد و چنانچه توجیه منطقی و اقتصادی قابل قبولی ارائه شود می‌توان نرخ تعرفه معینی را برای حمایت از صنعتی خاص حفظ کرد اما افزایش بعدی منوط به موافقت دیگر اعضای سازمان خواهد بود. موانع غیرتعرفه‌ای نیز با اعمال شفافیت‌های بسیاری کاهش یافته‌اند و می‌توان با تبدیل باقی آنها به تعرفه این مسئله را نیز تا حد زیادی برطرف نمود. کاهش نرخهای تعرفه از مسائل مطرح در این بخش هستند که به هر حال کشورهای در حال توسعه در این زمینه می‌توانند از امتیازات زیاد و زمان بیشتری برای تغییر نرخهای تعرفه برخوردار باشند.

مبحث هشتم - موانع سیاسی

در صورتی که در ایران دولت به عنوان شریک اصلی سرمایه‌گذار خارجی وارد عمل شده و در بیشتر موارد قراردادهای به شکلی تنظیم می‌شود که سرمایه‌گذار خارجی تنها مسوول ساخت و راه‌اندازی یک پروژه می‌شود و پس از پایان کار پروژه به بخش دولتی واگذار می‌شود. چنین فعالیت اقتصادی را نمی‌توان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نامید. چون اساساً با ماهیت سرمایه‌گذاری خارجی در تضاد است. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دولت تنها باید با بهره‌گیری از قانون جامع سرمایه‌گذاری خارجی بر شیوه عملکرد سرمایه‌گذاران خارجی نظارت و کنترل داشته باشد و مابقی عملکرد این سرمایه‌ها باید به مکانیسم بازار واگذار شود تا سرمایه‌گذار خود مسوول سود و زیان خود باشد.

مبحث نهم - چالشهای قانون سرمایه‌گذاری خارجی وقوانین مرتبط:

الف- حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از چالش برانگیزترین موضوعاتی که سرمایه‌گذاری خارجی با آن مواجه است، چگونگی حل و فصل اختلافات می‌باشد، علاوه بر محدودیت پیش بینی شده در اصل 139 قانون اساسی، ماده 19 قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، در فصل حل و فصل اختلافات مرجع صالح را دادگاههای داخلی قرار داده. به موجب این ماده چنانچه اختلافات در خصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع این قانون، از طریق مذاکره حل و فصل نگردد، در دادگاههای داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد مگر آنکه در قانون موافقتنامه دو جانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی، در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد. از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که سرمایه‌گذار خارجی به بی طرفی دادگاهها و دیوان‌های محلی در حل و فصل اختلافاتی که احتمالاً میان او و کشور میزبان به وجود می‌آید، اطمینان، ندارد و این عدم

اطمینان، در بیشتر موارد قابل توجیه است. به طور سنتی، از نظر سرمایه گذار، بهترین روش اطمینان از دادرسی بی طرفانه، داوری در کشور بی طرف و در مرجعی بی طرف است. از اینرو، وقتی دولت میزبان در یک معاهده بین المللی ارجاع به داوری را بپذیرد، می توان گفت گام مهمی را به سوی حمایت از سرمایه گذاری برداشته است. در این زمینه همانگونه که اشاره خواهد شد پیوستن به ایکسید گام مهمی جهت تضمین امنیت خاطر سرمایه گذار خارجی درباره رسیدگی به حل و فصل اختلافات خواهد بود.

مواردی نظیر عدم آزادی انتخاب قانون حاکم بر قرارداد، که در حقوق ایران هنگامی که قرارداد میان یک ایرانی و یک خارجی منعقد میشود نیز مطرح است (ماده ۹۶۸ قانون مدنی)،

ب- چندگانگی کانونهای تصمیمگیری:

بزرگترین تنگنا در اجرای کانونها و راهکارهای سرمایه گذاری خارجی، چندگانگی کانونهای تصمیمگیری است. اگر چه قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، بر آن بوده است که با تشکیل سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران در چارچوب وزارت امور اقتصادی و دارایی همه نهادهای وابسته به سرمایه گذاری خارجی را یکجا گرد آورد، ولی سرمایه گذاران خارجی برای فعالیت در ایران تنها با این سازمان کار ندارند. این وضع، موجب سرگردانی و سرخوردگی سرمایه گذاران می شود.

بر اساس ماده ۵ قانون تشویق و حمایت، سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران "تنها" نهاد رسمی تشویق سرمایه گذاریهای خارجی در کشور و مرجع رسیدگی به کلیه امور مربوط به سرمایه گذاریهای خارجی میباشد در حالی که بر اساس ماده ۴ آییننامه سرمایه گذاری خارجی در بورسها و بازارهای خارج از بورس، اشخاص خارجی برای دریافت مجوز معامله اوراق بهادار در بورس و یا بازار خارج از بورس باید درخواست خود را به سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه نمایند حال این سؤال پیش میآید که هر چند بحث در مورد اخذ دو مجوز جداگانه از دو مرجع متفاوت است که هیچکدام مدخلیتی در وظایف دیگری ندارد لکن در قانون تشویق و حمایت، سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران به عنوان تنها نهاد رسمی اعطای مجوز شناخته شده است و پیشبینی سازمان بورس برای اعطای مجوز فعالیت خارجی در بازار سرمایه با آن مغایرت دارد. در حقیقت پرسش اصلی آن است که بین کلمه "تنها" در ماده ۵ قانون تشویق و حمایت و بند ۸ ماده ۱ آییننامه سرمایه گذاری خارجی چگونه می توان جمع نمود؟ از طرفی در ماده ۵ قانون تشویق و حمایت، وظایف سازمان سرمایه گذاری و کمکهای فنی احصا گشته اند و از طرف دیگر در بند ۸ ماده ۱ آییننامه سرمایه گذاری خارجی در بورس و بازارهای خارج از بورس، جهت ارائه مجوز به سرمایه گذار خارجی در بورسها و بازارهای خارج از بورس، مؤخر بر قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، سازمان بورس و اوراق بهادار صالح شناخته شده است لکن باید توجه داشت که شأن آییننامه دون قانون میباشد و نمیتواند برخلاف قانون، حکمی را مقرر دارد از این رو ناگزیر باید برای تبیین رابطه بین ماده ۵ قانون تشویق و حمایت و بند ۸ ماده ۱ آییننامه سرمایه گذاری خارجی، دست به تفسیر منطقی الزامات مزبور زد. به نظر می رسد که میتوان گفت:

1) براساس ماده 5 قانون تشویق و حمایت، سازمان سرمایه گذاری فقط در مورد تشویق سرمایه گذاری های خارجی در کشور و رسیدگی به کلیه امور مربوط به سرمایه گذاری خارجی، به عنوان تنها نهاد رسمی کشور شناخته شده است و در صورتی که اعطای مجوز به طور انحصاری توسط این سازمان مدنظر قانونگذار بود بایستی صراحتاً ذکر میگردد زیرا هرچند این ماده دارای اطلاق میباشد لکن اعطای مجوز، اولین و مهمترین قسمت تعامل با سرمایه گذار خارجی میباشد و اهمیت آن به نحوی است که نمیتوان گفت قانونگذار آن را با اطلاق عبارت "رسیدگی به کلیه امور مربوط به سرمایه گذاری خارجی" قصد نموده است و نمی توان از آن، حصر صلاحیت سازمان مزبور در خصوص مسأله اعطای مجوز به سرمایه گذار خارجی رانتیجه گیری نمود.

2) ذکر عبارت "کلیه امور مربوط به سرمایه گذاری خارجی" بسیار کلی و مبهم میباشد.

3) بنا بر اصول قانون نویسی، فقط قانون مؤخر بعدی که از عام و یا خاص بودن هم ردیف قانون موجود میباشد میتواند در صورت حصر، بنا بر اراده مؤخر قانونگذار موارد جدیدی را به آن اضافه کرده و حصر را از بین ببرد. این اتفاق در خصوص قانون بازار اوراق بهادار که مؤخر بر قانون تشویق و حمایت میباشد، رخ داده است. در این زمینه می توان به بند 14 ماده 7 قانون بازار اشاره نمود که هرچند در ماده 5 قانون تشویق، کلیه امور مربوط به سرمایه گذاری خارجی را به سازمان سرمایه گذاری و اگذار نموده است اما بنا بر بند 14 ماده 7 قانون بازار، نظارت بر سرمایه گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی در بورس، جزء یکی از وظایف هیأت مدیره سازمان بورس میباشد و یا اینکه علاوه بر آن، براساس بند 15 ماده 4 قانون بازار، شورای عالی بورس میتواند جهت معاملات اشخاص خارجی در بورس، به بورس مجوز اعطا نماید که میتواند گفت امور مذکور در این مواد ناظر به آن است که تمام فرایند سرمایه گذاری خارجی در بازار سرمایه از مرحله صدور مجوز و نظارت بر اجرای آن با توجه به تخصصی بودن سازمان بورس در زمینه بازار سرمایه از اطلاق عبارت " کلیه امور مربوط به سرمایه گذاری خارجی" مذکور در ماده 5 قانون تشویق و حمایت خارج گشته و به سازمان بورس و اوراق بهادار واگذار گردیده اند.

ج- مسائل مربوط به دادوستدها و جابه جایبهای ارزی و تضمین خروج ارزونحوه پرداخت (مواع نظام بانکی)

قانون سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذار خارجی را ملزم کرده است که تنها از ارزهای شناخته شده از سوی بانک مرکزی برای دادوستدهای ارزی بهره گیرد و همه این فعالیتهای بانکی نیز باید از راه سیستمهای بانکی مورد تأیید بانک مرکزی صورت پذیرد. همچنین، این قانون سازمان سرمایه گذاری کمکههای اقتصادی و فنی ایران را، ناظر بر چگونگی بهره گیری از سرمایه های خارجی شناخته است.

یکی از مواردی که ممکن است برای سرمایه گذار خارجی مساله باشد، این است که نمی تواند برای بردن سود و سرمایه به بیرون از کشور، ارز فراهم کند؛ بدین معنی که سرمایه گذار خارجی می تواند بخشی از ارز لازم را از راه صدور کالای تولید شده در داخل به دست آورد، ولی دولت می تواند از صدور فرآورده های سرمایه گذار خارجی به خارج جلوگیری کند. در اینحالت، سرمایه گذار خارجی ناگزیر است کالای خود را در داخل به فروش

برساند و سپس برای به دست آوردن ارزش مورد نیاز خود، باید ریال را به ارزش تبدیل کند که این می تواند زیانهای برای او داشته باشد.

امروزه دغدغه این است که پول را چگونه وارد ایران کنیم نیز مساله است؟ مروری بر روند دو ساله اخیر عملیات اجرایی نظام بانکی نشان میدهد که در این زمینه مشکلات عمده ای در راه جذب سرمایه های خارجی وجود دارد، نظام بانکی کشور، به علت ساختار عمدتاً دولتی- انحصاری و بدون رقابت، خود تاکنون به طور شایسته در صدد انطباق خویش با دیگر نظامهای بانکی جهان بر نیامد و از تحولات مربوط به توسعه خدمات و بازارهای پولی و اعتباری، توسعه تکنولوژی ارتباطات، مشارکت با بانکها و موسسات مالی معتبر در جهان در زمینه توسعه منابع خود غافل مانده است. بانکهای معتبر خارجی با ایجاد تسهیلات ویژه فراوان، امکان افتتاح حسابهای مختلف در سراسر جهان را برای صادرکنندگان و تولیدکنندگان کشور خود فراهم کرده و پس از مدتی نیز انواع اعتبارات را در اختیارشان قرار میدهند، در حالی که در کشور ما در این زمینه تسهیلات برای انتقال ارزش وجود ندارد. معمولاً فرآورده ها و تولیدات یک پروژه به ارزش محلی تعیین قیمت میشود. در حالی که بخش مهمی از سرمایه در قراردادهای سرمایه گذاری از منابع ارزی خارجی تامین میشود. لذا، سرمایه گذاران خواهان تامین اصل و فرع سرمایه به ارزش خارجی به نرخ واقع بینانه هستند. بنابراین نظام بانکی باید مکانیسمهایی را به منظور دستیابی به اهداف زیر به وجود آورد، برخی از این مکانیسمها عبارتند از:

* امکان تبدیل بدون اشکال پول داخلی به ارزش خارجی

* وجود پشتوانه مالی کافی برای تبدیل پول داخلی به ارزش خارجی

* نگهداری نرخ تبدیل ارزش در سطحی قابل قبول

* امکان خارج نمودن ارزش خارجی پس از تبدیل

د- ممنوعیت مالکیت اتباع بیگانه و بخشهای مرتبط با فروش و انتقال سهام

بنابر **قانون مربوط به تملک اموال غیر منقول اتباع خارجی**، قانون سرمایه گذاری خارجی نیز این اصل را پذیرفته و سرمایه گذاران خارجی را از مالکیت اموال غیرمنقول در ایران، بی بهره کرده است البته، قانون سرمایه گذاری برای گشودن این تنگنا، به سرمایه گذاران خارجی این پروانه را داده است که با به ثبت رساندن یک شرکت ایرانی، فعالیتهای خود را در آن چارچوب انجام دهند و با توجه به ایرانی بودن شرکت، گواهی مالکیت املاک را پیدا کنند. به هر روی، باید دانست که سرمایه گذار خارجی، با نگهداشت هویت خارجی خود، نمی تواند از حقوق مالکیت برخوردار شود. چنان که پیش از این نیز یادآور شدیم، قانون سرمایه گذاری، بسیار کوشیده تا زمینه سرمایه گذاری خارجی را آسان سازد، ولی همزمان تنگناهای قانونی نیز برای این فعالیتهای پیش بینی کرده است. از جمله می توان از سقف سرمایه گذاریهای خارجی در بخشهای اقتصادی یاد کرد. قانون سرمایه گذاری خارجی، به سرمایه گذاران خارجی پروانه نمی دهد که بیش از اندازه یی که برای هر رشته از بخشهای اقتصادی شناخته شده، فعالیت و سرمایه گذاری کنند. بنابراین، هرگاه گنجایش یک رشته پر شده باشد، سرمایه گذاران خارجی از فعالیت در آن رشته بازداشته خواهند شد. همچنین، برخی از کارشناسان بر این باورند که ممنوع بودن سرمایه گذاری دولتی خارجی، باید از قانون جلب و حمایت از سرمایه های

خارجی برداشته شود، زیرا برآستی اقتصاد کشور را از بخش بزرگی از سرمایه جهانی که دولتی است بی بهره می کند.

ه- عدم امکان تبدیل مستقیم درآمد ناشی از تورم:

چنانچه پس از پایان دوران سرمایه گذاری، صاحب سرمایه، سرمایه غیرنقدی خود را به فروش رساند و در نتیجه افزایش شاخص قیمتها، از راه فروش سرمایه غیرنقدی خود درآمدی بیش از آنچه هنگام ورود سرمایه به عنوان سرمایه غیرنقدی به ثبت رسانده است، به دست آورد، حق تبدیل این اختلاف قیمت را به ارز به منظور خارج نمودن از ایران ندارد. بلکه میتواند صرفاً آن را صرف صدور کالاهای ایرانی کند.

ی- مسائل قراردادی: در بعضی پروژها که طرف سرمایه گذاری برای تامین مالی قسمتی از منابع، نیاز به اخذ وام دارد، دولت کشور میزبان مستقیماً ضمانتی را در قبال این وامها تقبل نمیکند، ولی در مواقع خاصی وجود ضمانتهایی لازم به نظر میرسد. یکی از این حالات، زمانی است که یکی از موسسات دولتی با شرکت صاحب طرح وارد معامله میشود (به عنوان مثال: فروش مواد سوختنی در یک قرارداد بلندمدت) بنابراین، ضمانت دولت میزبان در مورد ارزهای خارجی ضروری به نظر میرسد.

در مورد شرط ملی کردن درست است که قانون تشویق پرداخت غرامت را پیشبینی کرده ولی نحوه پرداخت غرامت شفاف نیست. شرطی که از مهمترین شروط جهت امنیت خاطر سرمایه گذار خارجی محسوب میشود. مساله بعد تبصره ۲ ماده ۱۷ که اشعار میدارد زیانهای سرمایه گذار خارجی ناشی از وضع قوانین جدید دولت میزبان تا سقف اقساط سررسید شده قابل جبران است جای تفسیر دارد.

موضوع قابل بررسی در این مورد امکان درج شرط التزام در قراردادهای سرمایه گذاریست. شرط التزام عام تقریباً به یکی از متداولترین قواعد اکثر معاهدات سرمایه گذاری تبدیل شده است که حمایتهای افزونتری را برای سرمایه گذار خارجی فراهم میآورد. ارائه مفهومی صحیح از این شرط، یکی از مباحث بحث برانگیز حقوق سرمایه گذاری بین المللی شده است به طوری که بسیاری از دیوانهای داوری را نیز به موضع گیری وادار کرده است. نکته اساسی این است که آیا این شرط به مرجع مقرر در معاهده، صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد سرمایه گذاری میان دولت و سرمایه گذار را میدهد؟ و اگر پاسخ مثبت است، شرط تعیین مرجع رسیدگی به اختلاف مقرر در قرارداد چه اثری خواهد داشت؟ چنین مقرراتی از اهمیت ویژه ای برخوردارند. اول به دلیل حمایتی که از حقوق قراردادی سرمایه گذار در مقابل هر گونه مداخله ای که ممکن است با نقض ساده قرارداد یا با اعمال قانونگذاری و اداری رخ دهد و دوم به این دلیل که هنوز هم در چارچوب حقوق بین الملل عمومی کاملاً مشخص نیست که چنین اعمالی نقض تعهدات بینالمللی یک کشور محسوب میشوند یا خیر. بنابراین تقسیم سنتی دعاوی قراردادی/دعاوی معاهده ای در داوری معاهده ای ایستادگی کرده و ظرفیت دولت میزبان برای تعهد تمام و کمال در مقابل سرمایه گذار را تحت معاهده ای که حاوی شرط التزام نیست، کاهش میدهد.

موارد مغایرت قانون حمایت و تشویق سرمایه گذاری با استانداردهای سازمان جهانی تجارت:

۱- در تبصره ماده ۲ قانون آمده است: " تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه گذار خارجی در چهارچوب این قانون مجاز نیست" در موافقتنامه عمومی تجارت خدمات برخلاف موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، رفتار ملی در همه مراحل عرضه خدمات و نه فقط بعد از واردات مصداق میباید. از جمله مواردیکه باعث نقض رفتار ملی در بخش خدمات میشود الزام تابعیت داخلی یا سکونت دائم در داخل کشور برای تملک زمین است. لذا این تبصره طبق این توضیح نقض رفتار ملی در بخش خدمات تلقی میشود.

۲- در بند ششم از بخش ویژگیها و تسهیلات مشترک روشهای مختلف سرمایه گذاری خارجی که ذیل ماده ۴ آیین نامه آمده است، مقرر شده: "آزادی صادرات کالاهای تولیدی بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر تضمین میشود و در صورت ممنوعیت صادرات کالای تولیدی در داخل به فروش رسیده حاصل آن به صورت ارز از طریق شبکه پولی رسمی کشور قابل انتقال به خارج است لذا اگر مجوز سرمایه گذاری متضمن ممنوعیت صادرات کالای تولید شده توسط سرمایه گذار خارجی و بنابراین الزام فروش آن در داخل باشد با مقررات سازمان جهانی تجارت در موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه گذاری مغایرت دارد.

۳- در ماده ۲۳ آییننامه آمده است که ارز مورد نیاز برای خروج سرمایه منافع مربوط به سرمایه گذاری خارجی که به شکل مشارکت مدنی بیع متقابل و ساخت، بهره برداری و واگذاری انجام میشود از طریق ارز حاصل از صادرات محصولات تولیدی و یا ارائه خدمات بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر و یا صادرات سایر کالاهای مجاز تامین میشود. در حالیکه طبق ماده ۱۱ موافقتنامه خدمات که از جمله تعهدات مشروط در بخش خدمات است به جز در اوضاع و احوال مندرج در ماده ۱۲ موافقتنامه خدمات (محدودیتهای مربوط به حفظ تراز پرداختها) یک عضو حق ندارد در بخشهایی که تعهداتی خاص را پذیرفته است در مورد انتقالات و پرداختهای بین المللی سرمایه گذاران خارجی (عرضه خدمات از طریق حضور تجاری) هیچ نوع محدودیتی از جمله محدودیت ارزی اعمال کند.

۴- ماده ۲۴ آیین نامه تامین ارز مورد نیاز برای سرمایه گذاری خارجی ممکن است طبق مجوز سرمایه گذاری تنها از طریق صدور محصولات تولیدی یا خدمات بنگاه اقتصادی که سرمایه گذاری در آن به کار رفته و یا صادرات کالاهای مجاز میسر میباشد. این سرمایه گذاری متضمن یک نوع الزام تراز ارزی است که طبق ماده ۲ موافقتنامه ضوابط تجاری ممنوع است. از طرف دیگر طبق ماده ۱۱ موافقتنامه خدمات در بخشهای خدماتی که کشور طی مذاکرات الحاقی تعهدات خاص میدهد به جز در اوضاع و احوال مذکور در ماده ۱۲ این موافقتنامه نباید محدودیتی در پرداختها و انتقالات بین المللی سرمایه گذار خارجی فراهم کند که از جمله این محدودیتها میتواند محدودیت ارزی باشد.

۵- در ماده ۲۶ آیین نامه هم محدودیت صادرات کالا و خدمات حاصل از سرمایه گذاری خارجی وجود دارد که مغایر ماده ۲ موافقتنامه ضوابط تجاری و ۱۱ گات است.

۶- بند ۲ ماده ۱۶ گات در زمینه دسترسی بازار در مورد تجارت خدمات، بیان می‌کند از جمله اقداماتی که یک عضو نباید انجام دهد برقراری محدودیت در مورد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام خارجی یا بر حسب کل ارزش یک‌یک یا مجموع سرمایه‌گذاری خارجی است.

۷- یکی دیگر از جنبه‌های ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی در چارچوب مقررات گات، ممنوعیت اعطاء سوبسید صادراتی است که با مقررات و سیاستهای تشویق صادرات در کشورها مغایر است. سهمیه‌بندی ارزی نیز هنوز موضوعی قابل طرح است. از نظر مقررات گات، سهمیه بندی ارزی و تخصیص ارز جهت ورود کالا برحسب اولویت‌های خاص و نیز نرخهای ارز ترجیحی نیز نوعی محدودیت به شمار می‌رود. طبق مقررات گات، تعرفه‌های گمرکی تنها ابزار قانونی حمایت از صنایع محسوب می‌شوند. اما دولت این حمایتها را نه تنها از طریق عوارض گمرکی بلکه بیشتر بواسطه اعطاء سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم، و تخصیص ارز به بخش‌های اولویت دار اعمال می‌دارد. بطور کلی در نظام تجاری ایران علاوه بر تعرفه گمرکی که از طرف گات به عنوان تعرفه‌های گمرکی پذیرفته شده است از موانع غیرتعرفه‌ای که مورد پذیرش آن سازمان نیست به میزان قابل توجهی استفاده می‌شود. طبق ماده ۱ موافقتنامه گات درباره سوبسیدها، آمده است که سوبسید عبارت است از کمک مالی دولت یا مؤسسات دولتی که متضمن انتقال مستقیم وجوه مثل برقراری کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه و یا انتقال تعهدات مثل تضمین وام باشد. بخشیدن مالیات‌ها و عوارض در قالب مشوق‌های مالیاتی و دادن کالا و خدمات دیگری برای امر صادرات از دیگر موارد سوبسید است. طبق این بند بسیاری از تسهیلات مقرر در قوانین ایران از دیدگاه این موافقتنامه سوبسید به حساب می‌آید. ضمیمه ۱ موافقتنامه فوق نیز دربردارنده مواردی از سوبسید است که برقراری آنها بوسیله کشور عضو ممنوع شده است که مهمترین آن به شرح ذیل می‌باشد:

- برقراری حمل و نقل داخلی با شرایط مناسب برای کالای صادراتی
 - اعطای وام و اعتبارات با نرخ‌های پائین تر از معمول صرفاً به امر صادرات
 - اعطای معافیت‌ها، بخشودگی یا اجازه تعویق پرداخت مالیاتی به کالاهای صادراتی
- البته ناگفته نماند که طبق ماده ۲۷ موافقتنامه راجع به سوبسیدها کشورهای در حال توسعه دارای یک فرصت هشت ساله برای کاهش تدریجی سوبسیدها (یارانه) پس از پذیرفته شدن به عضویت سازمان جهانی در نظر گرفته شده است.

در نهایت، برای برون رفت از برخی تنگناها و دشواریهای یاد شده، علاوه بر موارد اخیرالذکر راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- پیوستن به ایکسید^۴ و سازمان جهانی تجارت

۴ - مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری به انگلیسی International Centre for Settlement of Investment Disputes : ICSID در سال ۱۹۶۶ توسط گروه بانک جهانی در واشینگتن دی. سی. با هدف ارتقاء روند سرمایه‌گذاری در سطح جهان تاسیس شد. کنوانسیون حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولتها و اتباع دولتها دیگر برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری که نهادی بین‌المللی و

- ایجاد اژانس تشویقی برای جذب سرمایه گذاری خارجی
- توسعه ظرفیت و کارایی صندوقهای سرمایه گذاری در بازارهای ایران و استفاده بهینه از پتانسیل بخش خصوصی در راستای تسهیل ایجاد این صندوقها

بین‌الدولی در لاهه است، ماهیتی دوگانه دارد؛ چرا که از یک طرف از سوی دولتها به وجود آمده است. از طرف دیگر، افراد خصوصی نیز می‌توانند نزد آن طرف دعوا باشند. این مرکز جهت تضمینی برای سرمایه‌گذاران خصوصی ایجاد شد. ایران عضو آن نیست.